

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

تاریخ: ۱۳ مهر ۱۳۹۸

مصادف با: ۶ صفر ۱۴۴۱

جلسه: ۹

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

مسأله ۵۸۱: «إذا صَلَّى بعد كلٍّ من الوضوءین نافلة ثمَّ علم حدوث حدث بعد أحدهما، فالحال علی منوال الواجبین، لكن هنا يستحبُّ الإعادة، إذ الفرض كونهما نافلة و أمّا إذا كان فی الصورة المفروضة إحدى الصلاتین واجبة و الأخری نافلة فیمکن أن یقال بجریان قاعدة الفراغ فی الواجبة و عدم معارضتها بجریانها فی النافلة أيضاً لأنّه لا یلزم من إجرائها فیها طرح تکلیف منجزٍ إلّا أنَّ الأقوی عدم جریانها للعلم الإجمالی فیجب إعادة الواجبة و يستحبُّ إعادة النافلة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص بعد از هر یک از دو وضوئی که گرفته است، نماز مستحبی بخواند و سپس یقین پیدا کند که بعد از یکی از آن دو وضو حدثی واقع شده است، در این صورت، حکم، همان حکمی است که در رابطه با خواندن دو نماز واجب بیان شد [، یعنی همان طور که در رابطه با نماز واجب گفته شد که اعاده هر دو نماز واجب است، در این فرض نیز باید نماز اعاده شود]، لکن در این فرض [چون اصل نماز، مستحب است]، اعاده نماز مستحب است؛ البته این در صورتی است که هر دو نماز، مستحب باشند و اما اگر یکی از دو نماز، واجب و دیگری مستحب باشد، ممکن است که گفته شود که در رابطه با نماز واجب قاعده فراغ جاری می شود و گفته نمی شود که جریان این قاعده در رابطه با نماز واجب با جریان آن در رابطه با نماز مستحب تعارض می کند زیرا از اجراء قاعده فراغ در رابطه با نماز واجب و نماز مستحب، طرح و از بین رفتن تکلیف منجز لازم نمی آید. البته اقوی این است که قاعده فراغ جاری نمی شود چون علم اجمالی وجود دارد و علم اجمالی منجز تکلیف است. پس اعاده نماز واجب، واجب است و اعاده نماز مستحب، مستحب است.

در مسأله مذکور، دو فرع مورد بررسی قرار گرفته است.

فروع اول، این است که اگر شخص بعد از هر یک از دو وضوئی که گرفته است، نماز مستحبی بخواند و سپس یقین پیدا کند که بعد از یکی از آن دو وضو، حدثی واقع شده است، در این صورت، مستحب است که شخص هر دو نماز را اعاده کند. دلیل حکم مذکور، این است که درست است که نماز، واجب نیست و مستحب است، لکن چون علم اجمالی وجود دارد، بر اساس آن علم اجمالی به استحباب اعاده نماز حکم می شود. بنابراین، تنجیز علم اجمالی باعث می شود که به اعاده هر دو نماز مستحب حکم شود.

فروع دوم، این است که اگر شخص بعد از یکی از دو وضوئی که گرفته است، نماز واجب و بعد از وضوی دیگر، نماز مستحبی بخواند، در رابطه با نماز واجب قاعده فراغ جاری می شود و جریان قاعده فراغ در رابطه با نماز مستحب با جریان آن در رابطه با

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۰.

نماز واجب، تعارض نمی‌کند چون از جریان قاعده فراغ در رابطه با هر دو نماز، طرح تکلیف منجز لازم نمی‌آید مگر اینکه گفته شود که چون در این فرض علم اجمالی وجود دارد و علم اجمالی، منجز است و به تعبیر روشن‌تر، علم اجمالی مطلقاً منجز تکلیف است، چه تکلیف، الزامی باشد و چه غیر الزامی باشد و چون در اطراف علم اجمالی اصل عملی جاری نمی‌شود لذا اعاده نماز واجب، واجب است و اعاده نماز مستحب، مستحب است.

نکته: حکم به اعاده نافله در فرضی است که اعاده نافله، مستحب باشد، ولی اگر اعاده نافله، استحباب نداشته باشد، مثل اینکه شخصی دو وضو بگیرد و بعد از یکی از دو وضو، نماز واجب بخواند و بعد از وضوی دیگر [بر اساس روایاتی که وارد شده است] «الصَّلَاةُ خَيْرُ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ اسْتَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ اسْتَكْثَرَ»^۱، دو رکعت نماز بخواند که آن دو رکعت جز نوافل مشخصه و معینه نیست که اعاده آن استحباب داشته باشد که در این صورت، نماز واجب می‌توان قاعده فراغ جاری کرد چون اعاده نافله در فرض مذکور، استحباب ندارد.

مسئله ۵۸۲: «إِذَا كَانَ مَتَوَضَّأً وَ حَدَّثَ مِنْهُ بَعْدَ صَلَاةٍ وَ حَدَّثَ وَ لَا يَعْلَمُ أُتِيَهُمَا الْمَقْدَمُ وَ أَنَّ الْمَقْدَمَ هِيَ الصَّلَاةُ حَتَّى تَكُونَ صَحِيحَةً أَوْ الْحَدَّثَ حَتَّى تَكُونَ بَاطِلَةً، الْأَقْوَى صَحَّةُ الصَّلَاةِ لِقَاعِدَةِ الْفَرَاغِ؛ خُصُوصاً إِذَا كَانَ تَارِيخُ الصَّلَاةِ مَعْلُوماً لَجَرِيَانِ اسْتِصْحَابِ بَقَاءِ الطَّهَارَةِ أَيْضاً إِلَى مَا بَعْدَ الصَّلَاةِ»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص وضو داشته باشد و بعد از وضو، هم نماز بخواند و هم حدثی از او سر بزند و نداند که کدام یک از نماز و حدث مقدم بوده است که اگر نماز مقدم باشد، به صحت آن حکم می‌شود و اگر حدث مقدم باشد، به بطلان نماز حکم می‌شود، در این صورت، اقوی این است که به سبب قاعده فراغ به صحت نماز حکم می‌شود؛ خصوصاً زمانی که تاریخ نماز معلوم باشد زیرا استصحاب بقاء طهارت نیز جاری می‌شود.

خلاصه اینکه، اگر شخص وضو داشته و بعد از وضو، هم نماز خوانده و هم حدثی از او سر زده است، ولی نمی‌داند که کدام یک مقدم بوده است و تاریخ نماز و حدث مجهول است، حکم این صورت این است که بنا بر نظر کسانی که معتقدند که هم استصحاب حدث جاری می‌شود و هم استصحاب طهارت جاری می‌شود، این دو استصحاب با هم تعارض و تساقط می‌کنند و بعد از سقوط استصحابین به قاعده فراغ رجوع می‌شود و به صحت نماز حکم می‌شود، اما بنا بر نظر کسانی که معتقدند که استصحاب جاری نمی‌شود [زیرا زمان شک به زمان یقین متصل نیست چون احتمال دارد که بین وضو و شک، حدث فاصله شده باشد و احتمال دارد که بین حدث و شک، وضو فاصله شده باشد]، با تمسک به قاعده فراغ به صحت نماز حکم می‌شود.

مرحوم سید (ره) در ذیل مسأله مورد بحث، فرموده است که اگر شخص به تاریخ نماز علم داشته باشد، استصحاب بقاء طهارت جاری می‌شود، لکن عرض می‌شود که در فرضی که تاریخ نماز معلوم باشد نیز استصحاب جاری نمی‌شود زیرا درست است که زمان نماز معلوم است، لکن، زمان شک به زمان یقین متصل نیست لذا در این فرض نیز استصحاب طهارت جاری نمی‌شود. در نهایت، اگر کسی قانع نشد و اصرار بر جریان استصحاب طهارت در فرض معلوم بودن زمان نماز داشت، عرض می‌شود که درست

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، کتاب الصلاة، ابواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۲، ص ۴۷، ح ۴.

۲. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۰.

است که نتیجه استصحاب و قاعده فراغ یک چیز است، اما قاعده فراغ بر استصحاب حکومت دارد و از باب حکومت بر استصحاب مقدم است لذا با وجود قاعده فراغ نوبت به جریان استصحاب طهارت نمی‌رسد.

«الحمد لله رب العالمین»